

## احساس امنیت زنان در شهرهای توریستی با تأکید بر طراحی شهری

پروانه زیویار پرده‌ای\*

آزیتا رجبی\*\*، آزاده عظیمی\*\*\*

### چکیده

در مقاله حاضر شاخص‌های کالبدی مؤثر در امنیت زنان در فضاهای شهری بررسی شده و با تحلیل داده‌های مد نظر تحقیق، در راستای شناسایی عوامل مؤثر در امنیت زنان در فضای شهری، چشم‌اندازی از توجه به عوامل کلیدی حفظ امنیت زنان در شهر ارائه داده شده است. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است، که به نحوی ویژگی‌های کالبدی و طراحی فضاهای شهری را به تصویر می‌کشد. برای گردآوری داده‌های مد نظر تحقیق از روش ارائه پرسش‌نامه و منابع اطلاعات ثانویه استفاده شده است. بخش اصلی داده‌های تحقیق به منظور تحلیل احساس امنیت زنان در محیط کالبدی شهر در چهارچوب شاخص‌های تعریف‌شده، کیفیت معابر، پوشش گیاهی، روشنایی، مبلمان شهری، فشردگی بافت و در نهایت باز یا بسته بودن فضا انجام شده است.

**کلیدواژه‌ها:** احساس امنیت، شاخص امنیت، شاخص کالبدی، فضاهای امن زنان.

### ۱. مقدمه

تنوع و تفاوت در شهرهای بزرگ انسان‌هایی را در کنار هم قرار می‌دهد که الگوهای

\* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره) شهرری (نویسنده مسئول) zivyar@yahoo.com

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی azitarajabi@yahoo.com

\*\*\* دانش‌جوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران Azimi87@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۶

زندگی‌شان متفاوت است و باعث تنوع در شهر می‌شوند. برخی مطالعات نشان داده که چگونه شرایط محیط‌های شهری این تنوع را افزایش می‌دهد و این مسئله باعث می‌شود خشونت، آسیب‌های انسانی و خطر برای زنان و کودکان، که به لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیری بیش‌تری دارند، افزایش یابد.

امنیت اجتماعی و به طور کلی امنیت با فضا و ساخت و ساز شهری ارتباط مستقیمی دارد. فضاهای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت و در مقابل، فضای نامناسب از بین برنده امنیت و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری عبارت‌اند از: فضاهای بی‌دفاع، محلات ناامن و ....

امروزه امنیت از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای آن به شمار می‌رود. از طرفی، نبود امنیت در شهر، که وابسته به شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری است، روابط شهروندان با شهر را محدود می‌کند. این موضوع به خودی خود باعث می‌شود شهروندان حیطه تعاملاتشان با شهر را محدود کنند؛ چنان‌که در قرن حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای تعاملات شهروندان، به‌ویژه زنان، ایجاد کرده که در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها امنیت رنگ می‌بازد و جرائم بالا می‌رود و مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند، با هر اتفاقی ترس و دلهره در آنان دوچندان می‌شود و در نتیجه «احساس ناامنی» می‌کنند.

برونداد امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه‌ای موظف است در زمینه‌های شخصی، اقتصادی، سیاسی و قضایی برای جامعه و اعضایش فراهم کند؛ بنابراین «امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات از هرگونه تهدید و تعرض» و این در حالی است که برخی فضاهای شهری خود از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت شهروندانند و به واسطه محفوظ بودن از دید، به فضاهای دنج و مطمئنی برای فعالیت‌های غیرمجاز و ناهنجار تبدیل می‌شوند.

مفهوم حق شهری (the right to the city)، که لوفبور مبدع آن است، به نقد سیاست‌ها و برنامه‌هایی برمی‌گردد که بر اساس عقلانیت مدرن و مناسبات سرمایه‌داری به مکان‌های شهری شکل می‌دهند و از راه‌های غیردموکراتیک اجرا می‌شوند. این نوع برنامه‌ریزی ساکنان و استفاده‌کنندگان فضای شهری را افرادی خنثی تلقی می‌کند (Phadke, 2012) و این واقعیت را، که هریک از آن‌ها ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را

دارند، پنهان می‌کند. ادعای برابری شهروندی در خلال این برنامه‌ها و سیاست‌ها، وجود تفاوت میان شهروندان را کتمان می‌کند و در نتیجه، این گروه‌های خاص جامعه‌اند که نیازهایشان در فرایند شکل‌دهی به محیط سکونتشان نادیده گرفته می‌شود. زنان یکی از این گروه‌ها هستند که مبتنی بر وظایف و شرایطشان از فضاهای شهر و محلات استفاده ویژه می‌کنند و اغلب فراموش می‌شوند. به باور برخی نویسندگان فمینیست، به لحاظ تاریخی، شهرها را مردان می‌سازند و اداره می‌کنند و در فرایند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فضای شهری حوزه‌های زندگی، زنان در حاشیه قرار دارند و از این رو، به تعبیر بالا، فضای شهری آن شرایطی که برای مردان دارد برای زنان ندارد و ممکن است برای زنان فضاهایی ترسناک و بیگانه باشند.

به باور بسیاری از کارشناسان، شهرها برای این که ایمن باشند باید برای همه گروه‌های سنی - جنسیتی ساخته شوند و برنامه‌ریزان شهری باید به تفاوت‌های سنی و جنسیتی در ساخت آن‌ها توجه کنند؛ در حالی که جامعه ما روزبه‌روز بیش از گذشته شهری می‌شود باید به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز، با تأکید بر ساختار جمعیتی، سنی، جنسیتی و ...، توجه شود. بسیاری از مطالعاتی که به بحث زنان و حضورشان در فضاهای شهری می‌پردازند بحث امنیت زنان در شهر را مطرح می‌کنند و توجه به این مؤلفه در فضاهای شهری را (از طریق نورپردازی، از میان برداشتن فضاهای دنج و خلوت، تعریف کارکردهای چندگانه و ...) از وظایف برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌دانند. در حقیقت، مؤلفه امنیت در حضورپذیری زنان و ایجاد حس راحتی و تعلق‌پذیری در آنان شاخص مهمی به شمار می‌رود، اما نباید موضوع حضور زنان در فضاهای شهر را فقط از این دریچه بررسی کرد؛ بلکه رابطه میان زنان و شهر باید از زوایای دیگری نیز بررسی شوند، عواملی که در مجموع حق زنان به سکونت در شهر را شکل می‌دهند. با نگاهی به معماری شهرها درمی‌یابیم که در طراحی ساختمان‌ها کم‌تر به زندگی روزمره و همیشگی خانواده‌ها توجه شده و حتی نیازهای زنان خانه‌دار در ساخت آن‌ها کم‌تر رعایت شده است. ساخت و ساز و برنامه‌ریزی‌های شهری نه تنها زمینه شرایط نابرابری اقتصادی را مهیا می‌کند، بلکه اقشار گوناگون جامعه را نیز در استفاده از فضاهای عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که گاهی به علت نبود توجه کافی به سالمندان، معلولان، کودکان و زنان، این اقشار از زندگی سالم و صحیح شهری محروم می‌مانند.

در این راستا، با توجه به حضور روزافزون زنان در محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی، کالبد و ساختار آن باید پاسخ‌گوی حضور گسترده این قشر در فضاها و عرصه‌های

گوناگون سکونت، کار، حمل و نقل و ... باشد؛ این مسئله برای جلب مشارکت و فعالیت زنان در اجتماع، حمایت اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس آنان و فراهم کردن امنیت برای حضورشان در اجتماع ضروری است؛ زیرا حضور گسترده زنان در شهر زمینه مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی را افزایش می‌دهد و عامل بهبود بهره‌وری بیش‌تر جامعه از نیروهای فعال زنان در ابعاد گوناگون است.

با توجه به شاخص‌های تأمین امنیت زنان در ابعاد گوناگون جسمی، روحی و روانی، کارکردی - عملکردی، که از اهم مباحث امنیت زنانه است، به بررسی مهم‌ترین شاخص‌های کالبدی مؤثر در این ابعاد در محلات شهر بابلسر و درک مفهومی آن پرداخته شده است.

## ۲. روش تحقیق

هدف مقاله حاضر کاربردی و توسعه‌ای بوده و در آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در این راستا، امنیت در فضاهای شهر از دید زنان شهر بابلسر بررسی شده است. داده‌های تحقیق به منظور تحلیل احساس امنیت در محیط کالبدی شهر در چهارچوب شاخص‌های تعریف‌شده، از طریق پرسش‌نامه، مشاهده و برداشت میدانی در محلات شهر بابلسر جمع‌آوری شده‌اند و برای گردآوری داده‌های مد نظر تحقیق از دو روش ارائه پرسش‌نامه و منابع اطلاعات ثانویه استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش را شهروندان زن محله‌های شهر بابلسر تشکیل می‌دهند که به طور تصادفی از افراد حاضر در فضاهای شهری انتخاب شده‌اند. حجم نمونه آن با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران محاسبه شده است و در این راستا، ۲۴۸ پرسش‌نامه در سطح محله‌های شهری شهر بابلسر توزیع شده است (مقادیر  $p$ ،  $q$ ،  $d$  و  $t$  به ترتیب، ۰/۵، ۰/۵، ۰/۵ و ۱/۹۶ در نظر گرفته شده است).

در بخش نخست مقاله، بر مبنای شاخص‌های تعریف‌شده، به سنجش احساس امنیت زنان شهر بابلسر در ارتباط با ویژگی‌های کالبدی محل زندگی‌شان پرداخته شده و سپس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، عوامل اساسی کالبدی در امنیت زنان شهر بابلسر تعیین شده است. در این رابطه و در مرحله دوم، با استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام، اولویت عوامل شناسایی‌شده در تعیین امنیت زنان بر اساس پارامترهای کالبدی شناسایی شده است.

### ۳. چهارچوب نظری

#### ۱.۳ مفهوم امنیت

امنیت در فضاهای جغرافیایی محصول مجموع عوامل کالبدی و غیرکالبدی در کنار ویژگی‌های شخصی افراد است. در واقع احساس امنیت در هر فضا نتیجه برهم‌کنش مجموعه عوامل است و میزان عوامل تأثیرگذار در شرایط گوناگون متفاوت است. به طور کلی برای امنیت دو بعد وجود دارد: ۱. بعد عینی که با عوامل عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می‌شود؛ ۲. بعد ذهنی که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸: ۲۹۷). بعد ذهنی امنیت به احساس جوامع از امنیت برمی‌گردد؛ در واقع، کاهش وقایع نامناسب لزوماً به افزایش احساس امنیت منجر نمی‌شود (همان). امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولت‌مردان، زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که تا وقتی امنیت وجود دارد، امنیت لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه نیز وجود دارد، اما تعیین درجه و مرتبه امنیت مطلوب جوامع غیرممکن است.

#### ۲.۳ مفهوم امنیت شهری

امنیت شهری آرامش، اطمینان خاطر و نبود هراس شهروندان از هرگونه تهدید و خطر علیه شهر، شهروندان، فضاهای شهری، ساختمان‌ها، سازمان‌ها، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری و سایر عناصر مهم در زندگی شهری، که نگرانی و احساس ناامنی در شهروندان را موجب شود، تعریف می‌شود. یکی از معیارهای توسعه شهری، که به منزله معیار اثربخشی برنامه‌های توسعه شهری تلقی می‌شود و رفتارهای شهروندان و به تبع آن پویایی شهر، به‌ویژه چگونگی حضور و ایفای نقش شهروندان در شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، احساس امنیت یا ترس از قربانی جرم شدن در شهر است.

ویژگی‌های فضاهای امن شهری به شرح زیر است:

۱. در فضایی امن و راحت مردم تمایل دارند یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن دارد؛
۲. دسترسی‌ها و اتصالات پیرامون آن فضا راحت‌تر صورت می‌گیرد؛
۳. مکان خوبی برای انجام پاره‌ای از فعالیت‌ها می‌شود؛

۴. آن فضا جذاب می‌شود و در اذهان باقی می‌ماند؛
۵. برای مشارکت در فعالیت‌های آن فضا تمایل به وجود می‌آید (www.pps.org).

### ۳.۳ اهمیت عرصه‌های عمومی شهر در امنیت

اهمیت عرصه‌های عمومی شهری به دلیل نقشی است که در توسعه شهری دارند. به عبارتی چنانچه دسترسی برابر به عرصه عمومی برای همه جامعه فراهم شود، فضای عمومی را به مکانی تبدیل می‌کند که افراد و گروه‌های گوناگون بتوانند در آن مشارکت کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در عرصه عمومی، احساس ناامنی است؛ البته فضاهای عمومی به دلیل داشتن مرزهای نامعین و مالکیت نامحدود، بیش‌ترین خطر را در آسیب‌پذیری در برابر ناامنی دارند (www.dacorum.gov.uk, 2004).

فضاهای شهری را بر اساس میزان تعاملات اجتماعی به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱. فضاهای عمومی: فضاهایی است که دسترسی به آن برای همه اعضای جامعه امکان‌پذیر است، اما فرد در انجام کارها و اعمالش آزادی کامل ندارد و هنجارها و قوانین جامعه را در نظر می‌گیرد؛
۲. فضاهای نیمه‌عمومی: فضاهایی است که برای استفاده عموم آزاد است، اما به دلیل محدودیت و هدف و کاربری، استفاده‌کنندگان خاص خود را دارد؛
۳. فضاهای خصوصی: فضاهایی است که از طریق اشخاص اشغال می‌شود.

### ۴.۳ محیط زندگی شهری و امنیت زنان

استانکو بر ماهیت سیاسی-اجتماعی احساس ترس از احتمال وقوع جرایم، به‌ویژه ماهیت جنسیتی آن، تأکید کرده است (استانکو، ۱۹۸۷: ۱۹۹۵-۱۹۹۷). او از نخستین و سرسخت‌ترین حامیان موضوع «از بین بردن احساس ترس با استفاده از تمهیدات مکانی» است. برخی جغرافی‌دانان از جمله والتین (۱۹۹۰) و وکرل و ویتزمن (Wekerle and Whitzman, 1995)، معماران و طراحان ساختمان از جمله متراک (Metrac, 1990) و مرکز خدماتی طراحی شهری بانوان (Women's Design Service, 1988) از متخصصانی بودند که درباره احساس ترس زنان از احتمال وقوع حمله در محیط زندگی نظرهای کارشناسی ارائه دادند. در بریتانیا و امریکای شمالی امنیت زنان برای مدتی در دستور کار سیاست‌مداران

قرار گرفت. در فنلاند تا قبل از دوره کنونی، امنیت هدف مهمی به شمار نمی‌رفت و هدف بهبود و بذل توجه بیشتر به امور زنان به‌تازگی در این کشور نمایان شده است. مقامات مسئول دیگر نقاط غرب اروپا و امریکای شمالی نیز تمهیدات مرتبط با زنان، با هدف کاستن از احساس ترس آنان در برخی محیط‌ها، را در دستور کارشان قرار داده‌اند (Kelly, 1986; Trench et al., 1992; Whitzman, 1992). دیدگاه مبتنی بر اصول فمینیستی درباره طراحی محیط، به دلیل مرتبط دانستن احساس ترس با خطرات ملموس و حساسیت اجتماعی بیشتر زنان (به نسبت مردان) و همچنین به دلیل برجسته نشان دادن ماهیت مردانه در ایجاد محیط‌ها، احساس ناامنی زنان را در چهارچوب سیاسی - اجتماعی روابط مردسالارانه می‌داند (Matrix, 1984; Greed, 1994).

### ۵.۳ عوامل و شاخص‌های کلی در ارتباط با امنیت زنان در محیط شهری

انسان از طریق روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا فرم، عملکرد و اهمیت می‌بخشد و سامان‌دهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد؛ بنابراین ساخت و طراحی فضاهای شهری در فرایند زندگی اجتماعی تأثیر دارد و باید از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد.

خوانایی شهرها از طریق ابزار کالبدی آشکارتر می‌شود و هرچه کالبد بتواند با شهروندانش از طریق ویژگی‌های کالبدی ارتباط نمادین برقرار کند، شهر «خوانا یا ناخوانا» ارزیابی می‌شود. وقتی فضایی خواناست، به احساس راحتی و امنیت کمک می‌کند و برعکس، هنگامی که علائم راهنما وجود ندارد یا فضا ناخوانا و گیج‌کننده است، احساس امنیت از بین می‌رود (Russ, 2005: 22).

افزون بر وجود مالکیت واقعی بر عرصه‌ها، که بیان‌گر میزان نظارت و کنترل بر فضاها و حریم آن‌هاست، باید به امر تعمیم مالکیت سمبلیک در فضاهای عمومی نیز توجه شود. در نظر گرفتن خواست گروه‌های سنی مختلف و ناتوان جسمی جامعه از نظر دسترسی، امنیت، آرامش، خلوت و تحرک فضایی تنوعی را در فضای شهر پدید می‌آورد که هر گروهی برای خود قلمرویی را در آن متصور و به حیات و فضای شهری مرتبط می‌شود. توجه به راه پیاده، در حکم فضایی عمومی که حیات شهر در آن جریان دارد، و در نظر گرفتن ترکیبی از انواع عرصه‌ها، سبب برقراری ارتباط بهتر با محیط و نظارت مسئولانه‌تر بر فضا می‌شود (Salingaros, 1991: 213). برای نمونه از دید صاحب‌نظران سیمای شهر،

نمادها، علائم و نشانه‌ها از عوامل مهم تشخیص قسمت‌های مختلف شهرند و بدین ترتیب، افراد به‌ویژه تازه‌واردان از طریق برقراری ارتباط با آن‌ها در محیط احساس امنیت می‌کنند و مسیرشان را می‌یابند.

### ۶.۳ شاخص‌های امنیت شهری

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص‌های شناسایی و دسته‌بندی عوامل امنیت فضا ارائه می‌شود.

#### ۱.۶.۳ شاخص‌های کالبدی (محیط طراحی شده)

##### ۱.۱.۶.۳ کیفیت شبکه معابر

یکی از عواملی که باعث ارتقای امنیت فیزیکی و روانی فضا می‌شود، کیفیت شبکه معابر و پوشش آن برای شخص پیاده و سواره است. پیاده‌راه‌ها محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی‌شان است. این فضاها در مقیاس کل شهر عمل می‌کند و پذیرای گروه‌های گوناگون شهروندان است. پیاده‌راه‌ها افزون بر نقش ارتباطی و دسترسی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش، تماشا و ... فراهم می‌آورند. در پیاده‌راه‌ها آزادی عمل افراد پیاده برای توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران بسیار زیاد است (<http://sevenview.persianblog.com>).

به باور جیکوب، حفظ امنیت شهر وظیفه اساسی خیابان‌ها و پیاده‌راه‌های شهرهاست. وضوح مسیر در روز و شب، حذف موانع فیزیکی و کاربری مزاحم در طول مسیر پیاده‌روها، طراحی مناسب در سطح پیاده‌روها و استفاده از کفپوش سالم باعث شده عابران پیاده با امنیت بیشتری از این فضا استفاده کنند. استفاده از تنوع رنگی همراه با طرح و نقش مختلف و هماهنگ در کف‌سازی پیاده‌روها و خطوط عابران پیاده افزون بر تنوع فضایی در برقراری ایمنی عابران نقش به‌سزایی دارد.

##### ۲.۱.۶.۳ مبلمان شهری

مبلمان متناسب شهری یکی از عوامل افزایش حضور افراد پیاده در شهر و در نتیجه ارتباط بیشتر مردم در محیط خود و جامعه و ایجاد سلامت روانی و آرامش شهروندان است و شامل تجهیزاتی مانند تیرهای چراغ برق، نیمکت‌ها، باغچه‌ها، کفپوش‌ها، آب‌خوری‌ها، سطل‌های زباله و وسایل تفریحی پارک‌هاست و هر یک کارکردی خاص دارند و آنچه حائز اهمیت است مکان‌یابی درست این تجهیزات است.



### ۳.۱.۶.۳ روشنایی

اهمیت روشنایی، به‌ویژه شاخص دید در شب در سطوح شهر، به دلیل افزایش ایمنی در سطح خیابان‌ها، به‌ویژه در مراکز پر رفت و آمد، راهنمایی جهت‌ها در تقاطع‌ها، چهارراه‌ها و پل‌ها، تشخیص هویت و موقعیت محل است. مهم‌ترین ویژگی آلودگی رفتاری و جرم‌خیزی در هنگام شب، تاریکی و کم‌نوری و توزیع نامناسب سیستم روشنایی حاکم بر محیط است که باعث پایین آمدن امکان دیده شدن و اقدام به اعمال بزه‌کارانه می‌شود؛ بنابراین با آشکار نشدن فرم به علت تاریکی، نخستین گام برای به وجود آمدن فضایی بدون دفاع و آسیب‌پذیر برداشته می‌شود. این نوع فضاها، که دلایلی غیر از دلایل کالبدی آن‌ها را به فضاهایی بدون دفاع بدل کرده، با تأمین روشنایی و حل کردن مسئله نور، قابلیت تبدیل شدن به فضاهایی بی‌مسئله و بادفاع را خواهند داشت و از این طریق، از آسیب‌پذیر بودنشان جلوگیری می‌شود (پورداتیچی، ۱۳۷۳: ۳۲). هم‌چنین توجه به شرایطی که باعث داشتن دید مناسب از درون ساختمان‌ها با نورپردازی‌های بهتر می‌شود، به شکل مؤثری مراقبت‌های طبیعی معابر، خیابان‌ها و حریم اطراف منازل و ساختمان‌ها را افزایش و میزان جرم را کاهش می‌دهد.

### ۴.۱.۶.۳ پوشش گیاهی

فضای سبز شهری به دلیل زنده بودن، تنوع شکل و رنگ، امکان تغییر و تحول مستمر در مکان و زمان، جوهر و هم‌چنین زیبایی و پویایی نقش ویژه‌ای برعهده دارد. گیاهان عامل طراوت و شادابی محیط‌اند. حفظ مطلوبیت و زیبایی‌های طبیعی و نوع پوشش گیاهی فضاهای عمومی شهری در میزان امنیت فضاها مؤثر است. معابر و فضاهایی که پیاده‌ها از آن‌ها عبور می‌کنند بهتر است با درختچه‌های کوتاه پوشانده شوند؛ زیرا درختان با ارتفاع بالا در پیاده‌روها سایه‌اندازی می‌کنند؛ در نتیجه فضای بدون دفاعی را برای عابران به وجود می‌آورند و امنیت را کاهش می‌دهند. در فضاهای عمومی، همانند پارک‌ها، وجود درختان با ارتفاع بالا و حجم زیاد باعث می‌شود فضای بدون دفاعی را در شرایطی که کنترل نیست برای استفاده‌کنندگان ایجاد کند.

### ۵.۱.۶.۳ فشردگی بافت

در مکان‌هایی که تعداد کاربری‌ها زیاد است بسته به نوع کاربری مد نظر، میزان امنیت نوسان دارد. در بافت‌های فشردگی که تداخل کاربری دارند چنان‌چه کاربری‌ها بر اساس فرم و عملکرد متناسب با هم سنخیت داشته باشند، بر میزان امنیت محیط افزوده می‌شود. در

بافت‌های فشرده، با انبوهی از کاربری‌های مسکونی، تجاری و فرهنگی و ... مواجه‌ایم که انبوهی از جمعیت با فرهنگ‌ها و رفتارهای متفاوت را در خود جای داده‌اند. در این‌گونه محیط‌ها زمینه‌های بسیار مساعدی برای ارتکاب جرم و ناهنجاری اجتماعی وجود دارد. امروزه تناسب بین فرم و کالبد در شهر برای ایجاد امنیت فضای عمومی حائز اهمیت است، اما برای از بین رفتن ناامنی، ارائه مفهومی درست از فرم و کالبد اهمیت بیش‌تری دارد. به باور طراحان شهری، پیش‌گیری از وقوع جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی در این زمینه از طریق طراحی محیطی نیز مؤثر است.

### ۶.۱.۶.۳ بسته و باز بودن محیط

تلاش و تمایل انسان برای زندگی در هر محیطی تسلط بر آن است تا از این راه احساس آرامش و راحتی کند؛ ولی امروزه در مقیاس‌های بزرگ نه‌تنها این تسلط وجود ندارد، بلکه نوعی بریدگی و جدایی بین فضاها، تجسم، و ذهنیت انسان نیز به وجود آمده است؛ در نتیجه، حس تعلق به فضا و مکان را از بین برده است. باز و بسته بودن محیط‌ها در میزان احساس امنیت مؤثر است. بسته به میزان نفوذپذیری محیط میزان امنیت آن نیز تغییر می‌کند. محصور بودن هر فضا با توجه به نسبت پهنا به بلندای آن تعریف می‌شود؛ کاهش یا افزایش این مقدار، حس بسته بودن یا گشودگی را در فضا پدید می‌آورد (بیگدلی، ۱۳۸۱: ۲۱). هرچه ورود به محیط بیش‌تر باشد، به همان میزان از امنیتش کاسته می‌شود. فضاهای عمومی بسته، مانند سینما، شهربازی، نمایشگاه‌ها، که برای ورود به آن‌ها زمان، شرایط و قوانین خاصی مانند دادن ورودیه حاکم است، به نسبت محیط‌های باز امنیت بیش‌تری دارند.

### ۲.۶.۳ شاخص‌های کارکردی - عملکردی مؤثر در امنیت فضاهای عمومی

زمانی که فضاهای عمومی راحت خودشان را به‌خوبی نمایان می‌کنند و تصویر خوبی هم دارند، در حقیقت عوامل مذکور ابزاری برای موفقیت و کارایی فضا به‌شمار می‌روند. راحتی شامل درک امنیت، پاکیزگی و موجود بودن (فراهم بودن امکان‌هایی برای نشستن) است. نگه‌داری (حفاظت) به منزله یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد فضاهای عمومی موفق، که منجر به دستیابی راحت و افزایش مطلوبیت می‌شود، نقش پررنگی در این مسئله دارد. ترکیب مناسب کاربری‌های موجود در پهنه فضای عمومی با توجه به نوع عملکردشان در میزان امنیت فضا برای فرد استفاده‌کننده مؤثر است. از نظر کلوآرد (Kloard)، بر پایه تئوری افتراق تجمع‌ها (differential association) وقتی ابزار و امکانات

معمول و لازم یک‌سان توزیع نشود و برخی در شرایط بهتر قرار گیرند و برخی امکان دستیابی به وسایل و امکانات را نداشته باشند، احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۵۲). فقدان مکان‌یابی مناسب فعالیت‌های مختلف کنار یک‌دیگر، که گاهی به صورت ناسازگار در کنار هم واقع می‌شوند، ممکن است سبب بروز اغتشاش و اختلال فعالیتی شود.

### ۱.۲.۶.۳ کارکردهای فرهنگی - اجتماعی

به باور برنامه‌ریزان شهری، شهر باید مکان هم‌بستگی اجتماعی و فرهنگی باشد تا فضاهای شهری بتوانند امکانات هم‌زیستی، مشارکت و آرامش را برای زندگی اجتماعی پدید آورند. فقر فضاهای فرهنگی در شهرها موجب کاهش کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی می‌شود و معضل‌های بزرگ شهری، از جمله ترافیک‌های سنگین و گسترده، بیکاری یا گرانی مسکن، گسترش جرم و جنایت و آلودگی‌های زیست‌محیطی و فرهنگی و افزایش حس بی‌اعتمادی را موجب می‌شود. کالبد و ساختار شهر اساساً باید با در نظر گرفتن کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری توسعه یابد. غفلت از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری عامل بزه‌کاری، تشویق، خشونت و پرخاش‌گری شناخته می‌شود.

### ۲.۲.۶.۳ کارکردهای اقتصادی - اجتماعی

گاهی استفاده گوناگون از فضاهای شهری به بخش‌های مختلف آن حیات دوباره می‌بخشد و به مکان‌های عمومی امنیت می‌دهد. به باور فرانسیس تیبالدز (Francis Tibaldes)، بهترین محیط‌های شهری آن‌هایی‌اند که کاربری‌ها در آن‌ها ادغام می‌شوند و طیف متنوعی از فعالیت‌ها و تخصص‌ها به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، منطقه‌بندی و تفکیک کاربری‌ها و فعالیت‌ها علت اصلی مرگ عرصه‌های شهری است. ادغام کاربری‌ها، محیط‌های ایمن و پویا را چه در سطح خیابان‌ها و چه در ساختمان‌های منفرد پدید می‌آورد و علت جذابیت و امنیت عمومی این است که قادر است افراد مختلف را در زمان‌های مختلف و برای اهداف گوناگون به خود بخواند. این کار نه تنها سبب افزایش تحرک و پویایی محیط می‌شود، بلکه نظارت غیررسمی به عرصه‌های عمومی را نیز فراهم می‌کند (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۵۴).

به باور جیکوب، محله‌هایی که کاربری‌های متنوعی نظیر تجاری، اداری و تفریحی دارند به نسبت محله‌های تک‌کاربری امن‌ترند. نواحی چندکارکردی در طول روز و شب

شهروندان را به خود جلب می‌کنند و از این طریق نظارتی غیررسمی فراهم می‌کنند؛ برعکس مجرمان در اماکن خلوت بیش‌تر فعالیت می‌کنند (Jackobs, 1981: 18). وجود جاذبه‌های بصری، کارکردی یا فعالیت‌های جاذب در فضای عمومی در هر ساعت از شبانه‌روز عابر استفاده‌کننده از فضا را به سمت خود جذب و امکان مکث را فراهم می‌کند (استفاده از سینما و رستوران در حکم کارکردهای شبانه در برابر تعطیلی سازمان‌ها).

### ۳.۲.۶.۳ کارکردهای تفریحی - ورزشی

اضافه شدن کارکرد تفریحی - ورزشی در فضاهای عمومی باعث ایجاد محیطی سرزنده و کاهنده جرم می‌شود و عملکرد فضا، امکان حضور و نظارت و مراقبت‌های اجتماعی غیرمحسوس را بیش‌تر می‌کند و امنیت را افزایش می‌دهد.

### ۳.۶.۳ شاخص‌های اجتماعی (ذهنی) مؤثر در امنیت فضاهای عمومی

محیط در وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی در فضاهای عمومی نقش مهمی را ایفا می‌کند. یکی از این محیط‌ها، که به توجه بیش‌تر طراحان شهری نیاز دارد، فضاهای بی‌دفاع شهری است. فرم، فضا و کالبد، عاملی در جان بخشیدن به فضاهای بدون دفاع شهری است (پورداتیچی، ۱۳۸۱: ۱۱).

ویژگی‌های محیطی در فضاهای شهری از جمله عواملی‌اند که به رشد آسیب‌های اجتماعی در آن کمک می‌کنند. نارضایتی شهروندان از محیط زندگی‌شان واکنش‌های گوناگونی را در پی دارد. نخستین واکنش، تلاش برای تغییر محیط به منظور ایجاد تناسب میان ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایده‌آل ذهنی خاص است. دومین واکنش، انطباق یا سازگاری با محیط است، اما واکنش دیگری که در پی کاهش تعلق مکانی شکل می‌گیرد گسست از محیط است؛ بنابراین پیش از این‌که ایده‌های طراحانه برای حل این معضل به کار آید، باید سطح فرهنگ استفاده‌کنندگان از فضا ارتقا داده شود (رضازاده، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۱۳).

### ۱.۳.۶.۳ کنترل نابه‌نجاری و نظارت اجتماعی

امنیت یا به تعبیر بهتر احساس امنیت از نیازهای مهم افراد در زندگی اجتماعی‌شان است. برای دستیابی به آرامش و اطمینان خاطر، وجود نظارت اجتماعی بر فضا برای کنترل رفتارهای مجرمانه ضروری است، اما بر حسب رویکرد جامعه‌شناسی امنیت، نمی‌توان امنیت را در حکم وضعیتی بی‌ارتباط با بستر اجتماعی‌اش تحلیل کرد؛ بلکه امنیت

را باید به گونه‌ای دیگر، نه متغیری مستقل، بلکه به منزله متغیری وابسته، که با توجه به متن آن معنا می‌یابد در نظر داشت. از این منظر، امنیت فرایندی اجتماعی تلقی می‌شود که متناسب با تحول متن آن تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر، امنیت بدون منظر اجتماعی فهمیده نمی‌شود (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۵).

به این منظور، در درجه اول باید فضا در معرض دید قرار گیرد. حضور افراد از قوی‌ترین عوامل اعمال نظارت است؛ زیرا در این شرایط، علاوه بر آن‌که شهروندان ناظرند، در صورت لزوم برای جلوگیری از اعمال مجرمانه مستقیماً وارد عمل می‌شوند؛ بنابراین بهتر است برای حضور ساکنان در فضای خیابان محلی تسهیلاتی فراهم شود؛ البته باید از انحصاری شدن فضا جلوگیری کرد؛ به این معنی که فضا در اختیار گروه خاصی قرار نگیرد و تمامی گروه‌های اجتماعی خود را در آن راحت احساس کنند. از عواملی که شهروندان را جذب فضا می‌کند استقرار فعالیت‌های مرتبط با زندگی روزمره افراد است. حضور افراد برای نظارت در شب ضروری‌تر است؛ بنابراین برای برقراری فعالیت شبانه در خیابان محلی باید فعالیت‌هایی که در شب زنده‌اند تزریق شود تا شهروندان برای حضور شبانه در فضا تشویق شوند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۲۳).

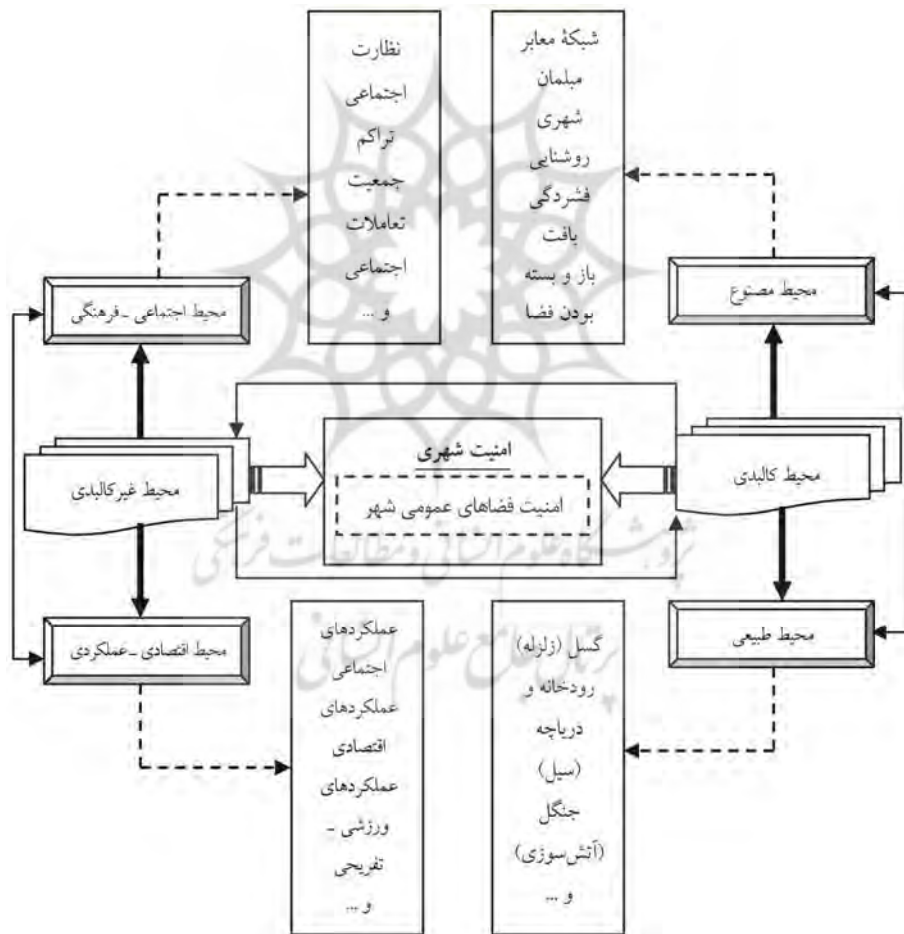
هیلر (Hiller) نیز باور دارد که حضور مردم، چه غریبه و چه آشنا، احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا می‌دهد و وسیله‌ای است که به کمک آن بر فضا به شکل طبیعی نظارت می‌شود؛ بنابراین هیلر در پی خصوصیات شکلی فضاست که حضور مردم و به تبعش، احساس امنیت را افزایش می‌دهد. نظارت طبیعی بعدی تعیین‌کننده است، به این دلیل که بزه‌کاری‌ها معمولاً آشکار نیستند. ساختار، شکل فیزیکی فعالیت‌ها و مردم و روش‌هایی که فرصت‌ها را برای نظارت بیش‌تر می‌کنند باعث سست شدن جرم می‌شوند (Bugliarello George, 2003: 129). کنترل ناهنجاری و نظارت اجتماعی از طریق ابزارهای مکانیکی (روشنایی، دوربین، گیت، قفل) یا طبیعی (روزانه‌ها)، پنجره‌ها یا موانع طبیعی نیز انجام می‌شود.

### ۲.۳.۶.۳ تراکم جمعیت

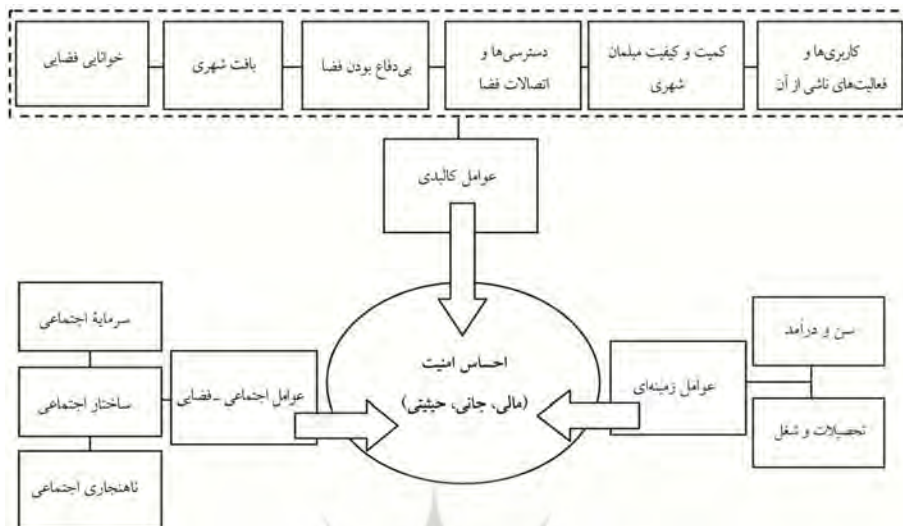
رابطه جمعیت و امنیت در حالت سنتی قطعی و خطی است و فزونی جمعیت، امنیت فرد، خانواده، جامعه، و کشور را تأمین می‌کند. جمعیتی عامل امنیت است که باسواد، بااخلاق، بافرهنگ، متخصص، و وظیفه‌شناس باشد. مفهوم تراکم جمعیت، که حاکی از رابطه میان افراد و فضای اشغال‌شده از سوی آن‌هاست، یکی از مفاهیم جغرافیایی

جمعیت است. نخستین بار، هنری دریوی هانس (Henry Derivi Hans) در سال ۱۸۳۷ از این اصطلاح استفاده کرده است و از آن پس تراکم جمعیت در حکم وسیله‌ای برای ارزیابی افزایش و کاهش و مقایسه تراکم‌های موجود و بالقوه جمعیت و در نهایت، به منزله شاخصی برای مقایسه تراکم‌های مساحتی جمعیت به کار گرفته شده است (ماندل، ۱۳۷۷: ۶۲).

شهرهای امروزی به دلیل تمرکز بالای جمعیت و فراوانی ماشین‌ها به تدریج از شاخص‌های آرامش و امنیت فضای شهری فاصله گرفته‌اند. به موازات افزایش جمعیت شهری میزان جرایم نیز بالا رفته است (شکویی، ۱۳۷۲: ۱۰۲).



نمودار ۱. مدل مفهومی امنیت شهر



نمودار ۲. مدل ترکیبی احساس امنیت در فضاهای شهری

#### ۴. یافته تحقیق

##### ۱.۴ تبیین احساس امنیت زنان

در مرحله نخست، برای شناسایی احساس امنیت زنان از شاخص‌های مطالعه‌شده در ارتباط با محیط کالبدی و ویژگی‌های طراحی فضاهای عمومی، میانگین هریک از شاخص‌ها (با توجه به طیف لیکرت) ارائه شد. از زنان شهر بابلسر خواسته شد بر اساس احساس امنیتشان از شاخص‌های تعریف‌شده، طیف نمره‌ای از ۱ تا ۵ (حداقل به حداکثر) را در نظر بگیرند.

در بررسی شاخص‌های مرتبط با محیط ساخته‌شده (محیط کالبدی طراحی‌شده) گفتنی است شاخص «دید در شب» با میانگین ۲/۱ کم‌ترین میانگین احساس امنیت را نشان می‌دهد؛ در عین حال، شاخص وضوح مسیر نشان‌دهنده این است که زنان شهر بابلسر از وضوح مسیر بیش‌تر احساس امنیت می‌کنند. در عین حال باید توجه داشت که مجموعه شاخص‌های کالبدی مؤثر در احساس امنیت زنان شهر بابلسر در سطح متوسطی قرار داشته و این نشان‌دهنده این موضوع است که در مجموع زنان از استانداردهای محیط ساخته‌شده (محیط طراحی‌شده) خود در ارتباط با احساس امنیت ایجادشده رضایت چندانی ندارند.

جدول ۱. میانگین احساس امنیت زنان شهر بابل بر اساس شاخص‌های کالبدی

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های کالبدی (طراحی شهری)
۲/۴۵	۳/۸	مستقیم بودن (داشتن راه فرار در مواقع اضطراری)
۲/۳۳	۲/۵	کف پوش مناسب
۲/۳۴	۴/۷	وضوح مسیر
۳/۱۲	۴/۶	وجود موانع فیزیکی
۲/۷۱	۴/۱	کیوسک‌ها (حضور پلیس یا نگهبان در مکان)
۲/۶۵	۳/۹	وجود توقف‌گاه‌های مردمی
۲/۳۴	۴/۲	ایستگاه‌های اتوبوس
۲/۲۱	۲/۱	قابلیت دید در شب
۲/۱۳	۲/۹	تعداد چراغ‌های برق
۲/۹۹	۳/۴	درختان حجیم
۲/۱۱	۳/۱	ارتفاع درختان
۲/۵۳	۳/۷	تراکم درختان (تعداد درختان)
۲/۹۱	۳/۳	خوانایی بافت
۲/۱۶	۴/۳	تراکم مسکونی
۲/۵۸	۲/۹	نوع کاربری‌ها
۲/۵۹	۳/۲	دسترسی
۲/۲۲	۲/۲	نفوذپذیری (ورود وسایل نقلیه موتوری به محل پیاده‌روی و استراحت در مکان)
۲/۷۳	۳/۳	محصوریت فضا

#### ۲.۴ شناسایی عوامل کالبدی تحلیل امنیت در محیط‌های شهری

با توجه به آنچه در بخش مطالعات نظری مقاله مطرح شد، امنیت در فضای شهری ابعاد مختلفی از زندگی را در سه دسته از شاخص‌های محیط ساخته‌شده (کالبدی)، شاخص‌های کارکردی - عملکردی و شاخص‌های اجتماعی در بر می‌گیرد. به طور نسبی، امنیت زندگی زنان در عرصه فضاهای شهری فقط زمانی در حد ایده‌آل نمود می‌یابد که استانداردهای بستر طبیعی شهر، محیط کالبدی شهر و ابعاد روحی و روانی در حد مطلوب باشد. باید توجه داشت که در این مقاله، فقط به ابعاد کالبدی یا ابعاد مرتبط با طراحی شهری پرداخته شده است. در عین حال، امنیت شاخص‌های کارکردی - عملکردی و نیز اجتماعی را در بر می‌گیرد.



در بررسی شاخص‌های سنجش احساس امنیت زنان در سطح محلات شهر بابلسر (بازار، خیابان‌ها و پارک)، عوامل اصلی در چهارچوب تحلیل عاملی استخراج شد. در این راستا، هجده شاخص، که مستخرج از ده شاخص اصلی است، در مطالعات پرسش‌نامه‌ای به منظور استخراج عوامل بررسی شد. در این بررسی، مقدار KMO برابر با ۰/۷۶۴ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری ۰/۰۰ است که این مقادیر نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. تاباچنیک و فیدل (Tabachnick and Fidell, 1996) بیان کرده‌اند که به متغیرهای با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۳۲ باید توجه شود. کومری و لی (Comrey and Lee, 1992) در مطالعاتشان دامنه‌ای از ارزش‌ها را برای تفسیر شدت روابط بین متغیرها و عامل‌ها پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها بیان کرده‌اند که بارهای عاملی ۰/۷۱ و بالاتر عالی، ۰/۷۱ تا ۰/۶۳ خیلی خوب، ۰/۶۳ تا ۰/۵۵ خوب، ۰/۵۵ تا ۰/۴۵ نسبتاً خوب و ۰/۴۵ تا ۰/۳۳ ضعیف است. مجموع عوامل مستخرج از هجده گویه برابر شش عامل است که بر مبنای مقدار ویژه و اسکری پلات تعیین شده است. بر اساس جدول ۳، این عوامل در مجموع نزدیک به ۷۸/۹۸ درصد کل واریانس را تبیین کرده و نشان‌دهنده میزان قدرت این عوامل در تحلیل موضوع مد نظر است.

جدول ۲. عوامل اساسی کالبدی احساس امنیت زنان شهر بابلسر در محلات شهری

عامل						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰/۵۷	مستقیم بودن
					۰/۵۲۸	کف‌پوش مناسب
					۰/۴۵۶	وضوح مسیر
						وجود موانع فیزیکی
				۰/۶۲۸		کیوسک‌ها
				۰/۶۰۱		وجود توقف‌گاه‌های مردمی
				۰/۵۸۳		ایستگاه‌های اتوبوس
			۰/۷۳۱			قابلیت دید در شب
			۰/۷۰۳			تعداد چراغ‌های برق
		۰/۵۱۲				درختان حجیم
		۰/۴۸۶				ارتفاع درختان
		۰/۴۷۱				تراکم درختان (تعداد درختان)

	۰/۶۴۵					خوانایی بافت	
	۰/۶۱۲					تراکم مسکونی	
	۰/۵۸۶					نوع کاربری‌ها	
	۰/۵۶۲					دسترسی	
	۰/۵۱۰					نفوذپذیری (ورودی محله)	
	۰/۴۸۹					محصولیت فضا	
	۲/۴۵۷	۲/۷۲۸	۷/۱۳۸	۸/۹۸۱	۳/۴۳۶	۴/۸۹۱	مقدار ویژه
	۵/۸۵۴	۶/۷۵۳	۲۴/۳۴۹	۲۷/۲۱۱	۷/۹۱۰	۹/۰۰۱	درصد واریانس
۷۸/۹۸						مجموع واریانس تبیین شده (%)	

Extraction Method: Principal Component Analysis

Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization

## ۵. نتیجه‌گیری

شهر به منزله یک سیستم از مجموع عناصر کالبدی و غیرکالبدی تشکیل شده است. در بسیاری از موارد شکل‌گیری محلات یا فضاهای ناامن در سطح شهر محصول ساختار خاص کالبدی یا به عبارتی نوع طراحی محیط آن از یک سو و پارامترهای خاص اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر است. آسیب‌پذیری زنان در محیط‌های شهری و تحلیل راه‌کارهای کاهش آسیب‌پذیری زنان از موضوع‌های درخور توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... است.

در فضاهای جغرافیایی، بخش درخور توجهی از جرایم مرتکب‌شده در آن فضا به استعداد یا جرم‌پذیری آن فضا مرتبط است. در واقع، نوع طراحی و ویژگی‌های کالبدی، که فضا را بدون دفاع می‌کند، نقش مهمی در ارتکاب جرم دارد و در نهایت، امنیت محیط را خدشه‌دار می‌کند. داشتن امنیت در فضاهای شهری شاخصی است که کیفیت حضور زنان در هر موقعیت سنی، اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما نباید انتظار داشت که فقط با اندیشیدن به الزاماتی که به گونه‌ای امنیت زنان را در شهر هدف قرار می‌دهند و عمدتاً بر کیفیت‌های کالبدی شهر تمرکز می‌کنند این مشکل رفع می‌شود.

با توجه به داده‌های جداول نتایج عوامل مستخرج به قرار زیر دسته‌بندی و ارائه می‌شود:

۱. عامل نخست، که بیش‌ترین بارها را روی شاخص‌هایی مانند مستقیم بودن مسیر، کف‌پوش، وضوح مسیر و وجود موانع فیزیکی نشان می‌دهد «کیفیت شبکه معابر» نام دارد. یکی از عواملی که موجب ارتقای امنیت فیزیکی و روانی فضا می‌شود، کیفیت شبکه معابر

و پوشش آن برای شخص پیاده و سواره است. پیاده‌راه‌ها محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی‌شان است؛

۲. با توجه به این‌که عامل دوم بیش‌ترین بارها را بر روی شاخص‌هایی مانند کیوسک‌ها، توقف‌گاه‌های مردمی و ایستگاه اتوبوس نشان می‌دهد «مبلمان شهری» نام دارد. مبلمان متناسب شهری یکی از عوامل افزایش حضور افراد پیاده در شهر و در نتیجه، ارتباط بیش‌تر مردم در محیط خود، جامعه و ایجاد سلامت روانی و آرامش شهروندان است و تجهیزاتی مانند تیرهای چراغ برق، نیمکت‌ها، باغچه‌ها، کف‌پوش‌ها، آب‌خوری‌ها، سطل‌های زباله و وسایل تفریحی پارک‌ها را شامل می‌شود؛

۳. عامل سوم، که بیش‌ترین بارها را بر روی شاخص‌های قابلیت دید در شب و تعداد چراغ‌ها نشان می‌دهد «روشنایی» نام دارد. اهمیت وجود روشنایی در سطوح شهر به دلیل افزایش ایمنی در سطح خیابان‌ها، به‌ویژه در مراکز پر رفت و آمد، راهنمایی جهت‌ها در تقاطع‌ها، چهارراه‌ها و پل‌ها، تشخیص هویت و موقعیت محل است؛

۴. عامل چهارم «پوشش گیاهی» نام دارد. این عامل بیش‌ترین بارها را بر روی شاخص‌های مرتبط با درختان نشان می‌دهد. فضای سبز شهری به دلیل زنده بودن، تنوع شکل و رنگ، امکان تغییر و تحول مستمر در مکان و زمان، جوهر، زیبایی و پویایی نقش ویژه‌ای دارد؛

۵. عامل پنجم «فشرده‌گی بافت» نام دارد که بیش‌ترین بارها را بر روی شاخص‌های خوانایی بافت، نوع کاربری، و تراکم مسکونی نشان می‌دهد؛

۶. عامل ششم، که بیش‌ترین بارها را بر روی شاخص‌هایی مانند دسترسی، نفوذپذیری و محصوریت فضا نشان می‌دهد، «باز و بسته بودن» محیط نام‌گذاری شده است. هرچه ورود به محیط بیش‌تر باشد، به همان میزان از امنیتش کاسته می‌شود. فضاهای عمومی بسته، مانند سینما، شهربازی، نمایشگاه‌ها، که برای ورود به آن‌ها زمان، شرایط و قوانین خاصی مانند دادن ورودیه حاکم است، به نسبت محیط‌های باز امنیت بیش‌تری دارند.

زندگی در فضای شهر باید به گونه‌ای رقم بخورد که با کاستن از بار وظایف زنانه و پیش‌بینی‌پذیر کردن برنامه روزانه آن‌ها، فضا و زمانی را به دست دهد تا زنان بتوانند آن را صرف فراغت، علایق، خلاقیت‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه خویش کنند، روابط اجتماعی‌شان را بسط دهند و از انزوا در زندگی شهری خارج شوند.

برای ادراک و شناسایی و تعیین مهم‌ترین و اثرگذارترین عوامل کالبدی پیش‌بینی‌کننده‌های امنیت زنان در این مقاله، از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است و برای تعیین مهم‌ترین

پیش‌بینی‌کننده‌های امنیت زنان، در حکم پارامترهای اصلی طراحی فضاهای امن برای آنان از شش عامل به شرح ذیل استفاده شده است: ۱. روشنایی (دید در شب)، ۲. مبلمان شهری، ۳. فشردگی بافت، ۴. کیفیت شبکه معابر، ۵. بسته و باز بودن محیط، و ۶. پوشش گیاهی. نتایج بررسی و مطالعه شش عامل مد نظر در چهارچوب تحلیل رگرسیون در جدول ذیل نشان داده شده است.

مجموع این شش عامل ۶۶/۳۱ درصد واریانس امنیت زنان در محدوده مطالعه را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج جدول ذیل گفتنی است عامل روشنایی به نسبت سایر عوامل، قابلیت بیش‌تری در پیش‌بینی امنیت زنان دارد.

جدول ۳. پیش‌بینی‌کننده‌های امنیت زنان بر مبنای عوامل کالبدی (پارامترهای طراحی)

عوامل (پیش‌بینی‌کننده‌ها)	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	Beta	t	سطح معناداری
روشنایی	۰/۴۹۴	۰/۴۹۰	۰/۷۳۲		
مبلمان شهری	۰/۴۳۲	۰/۴۳۲	۰/۵۶۲		
فشردگی بافت	۰/۳۸۷	۰/۳۸۰	۰/۵۵۹		
کیفیت شبکه معابر	۰/۲۷۵	۰/۲۷۵	۰/۳۲۷		
بسته و باز بودن محیط	۰/۱۸۴	۰/۱۸۰	۰/۱۳۰		
پوشش گیاهی	۰/۰۹۶	۰/۰۹۵			

با توجه به نتایج به دست آمده در ارتباط با پرسش‌نامه‌های توزیع شده، گفتنی است زنان شهر بابل‌سر احساس امنیت چندانی در ارتباط با فرم و نحوه طراحی عوامل مستخرج از شاخص‌های مطالعه شده ندارند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در سطح محلات شهری شهر بابل‌سر، شش عامل کالبدی مستخرج از شاخص‌ها، شامل کیفیت معابر، بافت شهری، باز و بسته بودن فضا، پوشش گیاهی، روشنایی و مبلمان شهری در تحلیل امنیت زنان در فضای شهری نقش اصلی را دارند و با توجه نتایج آزمون رگرسیون، عامل روشنایی بیش‌ترین نقش را در پیش‌بینی امنیت زنان در سطح محلات دارد. در این راستا، برای ارتقای امنیت زنان در شهر بابل‌سر بهتر است از اصلاحات پیش‌نهادی ذیل استفاده شود:

۱. سامان‌دهی چراغ‌های برق و بهبود روشنایی با هدف افزایش دید؛

۲. ایجاد کیوسک‌های پلیس در سطح شهر؛

۳. ایجاد مبلمان‌هایی که مانع دید افقی نشوند؛

۴. تنظیم فواصل درختان به منظور جلوگیری از ایجاد فضاهای بدون دید.

## منابع

- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری چندمعیاره*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). «ساخت اجتماعی امنیت»، *فصل‌نامه دانش انتظامی*، س ۳، ش ۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). «معمای امنیت عمومی، درآمدی بر جای‌گاه تازه پلیس در جامعه»، *مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های امنیت عمومی و پلیس*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- ایرانش، نسیم (۱۳۸۴). «استفاده از اصول جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی و بررسی اجمالی آن در ایران»، *نشریه مسکن و انقلاب*، ش ۱۱۰.
- بیگدلی، الهه (۱۳۸۱). «سیما و منظر فضاهای شهری»، *ماه‌نامه شهر و ساختمان*، سایت آفتاب.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). *راهنمای طراحی فضاهای شهری*، تهران: نشر پیام سیما، وزارت مسکن و شهرسازی.
- پورداتچی، مصطفی (۱۳۷۳). «فضاهای بدون دفاع شهری»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- پورداتچی، مصطفی (۱۳۸۱). «فضاهای بدون دفاع»، *ماه‌نامه شهرداری‌ها*، س ۴، ش ۴۱.
- تیموری، آ. (۱۳۸۲). «معماری و شهرسازی و ارتباط آن‌ها با جرم»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه شهرسازی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳). *شهرسازی شهروندگرا*، ترجمه محمد احمدی‌نژاد، تهران: نشر خاک.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۵). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵). «برنامه‌ریزی محله - مبنا: رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، *نشریه هنرهای زیبا*، ش ۲۶.
- رضازاده، رضیه (۱۳۸۴). «نقش عوامل اجتماعی در تحول فرم فضاهای شهری»: [http://architectsam.blogspot.com/2010/02/blog-post\\_08.html](http://architectsam.blogspot.com/2010/02/blog-post_08.html)
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران: سروش.
- سال‌نامه آماری استان هرمزگان* (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان.
- شکویی، حسین (۱۳۸۵). *اکولوژی اجتماعی شهر*، تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- کلاتری، محسن (۱۳۸۰). «بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران»، *پایان‌نامه دکتری*، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- لطفی، صدیقه و امین فرجی ملانی (۱۳۸۹). «بررسی امنیت و رضایت‌مندی گردش‌گران در ساحل دریای خزر با استفاده از مدل‌های آماری»، *همایش ملی بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجتماعی - اقتصادی در سواحل دریای خزر*، ساری.
- لطفی، صدیقه، امین فرجی ملانی، و آزاده عظیمی (۱۳۸۹). «تبیین سطوح امنیت در شهرهای گردشگری (یک مطالعه موردی از شهرهای توریستی)»، *همایش ملی امنیت در شهرهای ساحلی*، بندرعباس.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.

۱۰۲ احساس امنیت زنان در شهرهای توریستی، با تأکید بر طراحی شهری

مرادی، نازیلا (۱۳۸۱). «شاخص‌های امنیت در فضاهاى شهری»، ماهنامه شهردارى‌ها، س ۴، ش ۴۱.  
هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر مرکز.

Cozens, P. M. (2002). "Sustainable Urban Development and Crime Prevention through Environmental Design for the British City. Towards an effective urban environmentalism for the 21st Century", *Cities*, Vol. 19, No. 2.

George B. (2005). *Urban Crisis*, New York: The Macmillan Company.

Jackobs, J. (1981). *The Death and life of great American Cities*, New York, NK: Vintage Book

Phadke, Shilpa (2012). 'The Gendered Usage of Public Space', in Lora Prabhu and Sara Pilot (eds), *Fear that Stalks: Gender-based Violence in Public Spaces*, New Delhi: Zubaan.

Russ, Thomas H. (2006). "Safe city strategy", *Site planning and design hand book*, New York: GRAW HILL companies

Salingeros, N. (1999). *Urban space and its information field*, university of Texas at Sa Antonio, USA.

<http://sevenview.persianblog.com>

[http://architectsam.blogspot.com/2010/02/blog-post\\_08.html](http://architectsam.blogspot.com/2010/02/blog-post_08.html)

[www.dacorum.gov.uk](http://www.dacorum.gov.uk)

[www.pps.org](http://www.pps.org)

